



بانوان اینجا پوشش اصیلشان را حفظ کرده‌اند و لباس‌های سوزن‌دوزی شده به تن دارند

● حالا زیستن در کپرها راحت‌تر شده است

آن‌ها می‌گویند قدیم ترها که آب لوله‌کشی نبود، حتی آب مورد نیازشان را از چشمه می‌آوردند، اما اکنون به برکت فعالیت‌های عمرانی که در منطقه انجام شده، کارشان راحت‌تر شده است.

ظهر که می‌شود با غذای محلی که انار چاشنی اصلی‌اش است و نان‌های گرمی که با داستان مادر خانواده و در فضایی ساده و زیبا تهیه شده پذیرایمان می‌شوند، سفره‌شان ساده است، سادگی‌ای که عجیب به دل می‌نشیند و با دبه‌های دوغی مزین شده که با داستان خودشان تهیه کرده‌اند.

اینجا که بیایی معنای زندگی و آرامش را به درستی خواهی فهمید، محال است با دیدن بانوانی که با نخ و سوزن روی پارچه‌های رنگارنگ سوزن‌دوزی می‌کنند، به حالشان غبطه نخوری، نقش و نگارهایی زیبا که با آن لباسشان را تهیه می‌کنند، لباسی که فرقی ندارد مراسم عروسی باشد یا در خانه، بر تن می‌کنند و این نشانه فرهنگ اصیل مردمان این منطقه است. مردمی که در کپر و در کمال سادگی زندگی می‌کنند، اما همه اطرافشان از تزئین دیوارهای خانه گرفته تا لباس‌های تنش‌شان همه با نقوشی که در ذهن دارند و با داستان توانمند خودشان ساخته‌اند، آماده شده است.

اینجا بانوان به کارهایی نظیر سوزن‌دوزی به خصوص در دوره‌های خانوادگی و حتی جمع همسایه‌ها، پخت نان و انواع غذاهای محلی و صدها حرفه‌ای که منشأ زیبایی است مشغول هستند و اما نان‌آوران خانواده به کشاورزی یا دامداری می‌پردازند و این گونه زندگی‌شان را سپری می‌کنند.

● مراسم شادی و عزادار کپرها برگزار می‌شود

می‌خواهم درباره کپر بیشتر بدانم، سکونتگاهی که بدون تردید در گوشه گوشه جهان به اشکال متفاوت وجود دارد و اینجا نیز با شکل متفاوتی طراحی شده، بنابراین با

به وجود می‌آید. سراوان، سرباز، نیکشهر، دشتیاری و چابهار از جمله مناطقی است که کپرنشین‌های سیستان و بلوچستان در آنجا زندگی می‌کنند.

● کپرها تحمل گرمای طاقت‌فرسای منطقه را امکان‌پذیر می‌کنند

هوای بیرون به شدت گرم است چون روزهای بلند تابستان را سپری می‌کنیم، اما به راستی کپرها تحمل گرمای طاقت‌فرسای منطقه را امکان‌پذیر می‌کنند، این را پس از دقایقی نشستن در کپر به خوبی احساس خواهید کرد. مادر خانواده با سینی‌ای که در آن لیوان‌های رنگارنگ با حاشیه‌های طلایی خودنمایی می‌کند، پذیرایمان می‌شود تا به رسم دیرین مردمان این منطقه با مقداری آب گلیمان را تازه کنیم.

در حالی که از سادگی و آرامش نشستن در کپر لذت می‌برم، بوی دود به مشام می‌رسد، دلش را جویا می‌شوم، می‌گویند مادر خانواده در حال آماده کردن تنور برای پخت نان است تا از میهمان‌هایش با نان گرم محلی پذیرایی کند. با خودم می‌گویم، حیف است از دیدن این زیبایی لذت نبرم، بنابراین وارد محوطه خانه‌شان می‌شوم. بانویی را می‌بینم که با میله آهنی که در دست دارد، هیضم‌های تنور را جابه‌جا می‌کند تا آماده پخت نان شود، اندکی بعد با تشتی روی شانه‌هایش به سمت تنور می‌آید، خمیرهایی را که از قبل به صورت دایره آماده کرده روی دسته‌ای که پوشش پارچه‌ای دارد و قسمت زیرینش با چوب ساخته شده قرار می‌دهد و به دیواره تنور می‌چسباند. بانوان اینجا همان گونه که پوشش اصیلشان را حفظ کرده‌اند و لباس‌های سوزن‌دوزی شده به تن دارند، با داستان خود نان می‌پزند و این کار را هر چند روز یک بار و به خصوص روزهایی که میهمان دارند، انجام می‌دهند، به راستی اینجا می‌توان جلوه‌ای زیبا از میهمان‌نوازی را به نظاره نشست.

